

گذار از عقود مبادله‌ای به مشارکتی در بانکداری اسلامی و آثار آن بر نابرابری اقتصادی در ایران

عبدالمحمد کاشیان / دانشیار دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اداری دانشگاه سمنان

a.m.kashian@profs.semnan.ac.ir

 orcid.org/0000-0002-5352-1446

دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۸ - پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۵

چکیده

از ویژگی‌های خاص بانکداری اسلامی، تخصیص منابع بانکی براساس یکی از انواع عقود قرض‌الحسنه، مبادله‌ای و یا مشارکتی است. از آنجاکه عقود دارای ویژگی‌های خاص خود می‌باشند، شیوه تخصیص منابع براساس هر یک از عقود، آثار اقتصادی خود را به همراه دارد. سؤالی که پژوهش حاضر بدان پاسخ می‌دهد این است که شیوه تخصیص منابع در بانکداری اسلامی (گذار از عقود مبادله‌ای به سوی عقود مشارکتی)، چه تأثیری بر نابرابری اقتصادی در ایران دارد؟ محور اصلی پژوهش حاضر عقود انتفاعی در بانکداری اسلامی است. در این بررسی از نسبت تسهیلات پرداختی در قالب عقود مشارکتی به عقود مبادله‌ای به‌عنوان شاخصی برای سیاست‌گذاری بانک در تخصیص منابع استفاده شده است. داده‌های مورد استفاده در پژوهش مربوط به سال‌های ۱۳۶۵-۱۴۰۰ می‌باشد که با تکیه بر روش خودرگرسیون با وقفه توزیعی (ARDL) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج پژوهش، علاوه بر آنکه وجود رابطه میان متغیرهای مورد مطالعه را تأیید کرده، دلالت بر آن دارد که هرگاه بانک‌ها از عقود مبادله‌ای به سمت عقود مشارکتی گذار کرده‌اند، بر نابرابری‌های اقتصادی افزوده شده است به طوری که با افزایش ۱ واحدی در نسبت عقود مشارکتی به عقود مبادله‌ای، ضریب جینی تا ۰/۰۳ واحد افزایش پیدا کرده است که نسبتاً عدد بزرگی است. به نظر می‌رسد در شرایط تورمی ایران، رونق دادن به تسهیلات مشارکتی به نوعی عامل تقویت مخاطب محدود این نوع از تسهیلات است و با توجه به اینکه در بسیاری از سال‌ها تورم از نرخ سود بانکی بیشتر بوده، عملاً بر نابرابری‌های اقتصادی می‌افزاید.

کلیدواژه‌ها: بانکداری اسلامی، عقود مشارکتی، عقود مبادله‌ای، نابرابری، اقتصاد اسلامی.

طبقه‌بندی: JEL: E51, E58, G21, D63.

تخصیص منابع در بانکداری اسلامی دارای ویژگی‌هایی است که به‌طور اساسی آن را از بانکداری متعارف متمایز می‌کند. ممنوعیت ربا، غرر، ضرر و اکل مال به باطل سبب شده که تسهیلات بانکی در بانکداری اسلامی به‌طور ماهوی با آنچه در بانکداری متعارف است، متفاوت باشد. همین تفاوت‌ها سبب شده که آثار اقتصادی تخصیص منابع در بانکداری اسلامی نیز از بانکداری متعارف متمایز باشد. از ویژگی‌های اختصاصی بانکداری اسلامی آن است که منابع عمدتاً در قالب عقد قرض‌الحسنه، عقود مشارکتی و عقود مبادله‌ای تخصیص می‌یابد. به‌طور معمول عقود قرض‌الحسنه را جز عقود غیرانتفاعی و عقود مبادله‌ای و مشارکتی را جز عقود انتفاعی دسته‌بندی می‌کنند. طبیعتاً تمایل بانک‌ها بهره‌گیری از عقود انتفاعی است تا استانداردهای عملکردی خود را بهبود بخشند و همواره پاسخگوی نیازهای مشتریان خود باشند. از آنجاکه عقود انتفاعی خود به دو دسته مشارکتی و مبادله‌ای تقسیم می‌شوند، بانک‌ها امکان سیاست‌گذاری در تخصیص منابع خود میان این دو دسته از عقود را دارند. از این‌رو، شیوه تخصیص منابع بانکی در بانکداری اسلامی می‌تواند به‌عنوان یک ابزار سیاست‌گذاری شناخته شود.

زمانی که از شیوه تخصیص منابع بانکی به‌عنوان ابزاری برای سیاست‌گذاری یاد می‌شود، شناخت آثار اقتصادی آن نیز از اهمیت خاصی برخوردار می‌شود؛ موضوعی که در پژوهش‌های بانکداری اسلامی کمتر مورد توجه قرار گرفته و عملاً توجه به این بعد از سیاست‌گذاری را کم‌فروغ کرده است. تفاوت در ماهیت حقوقی عقود مبادله‌ای و مشارکتی سبب شده است که تصمیم نظام بانکی در سوق دادن منابع به سمت عقود مبادله‌ای و مشارکتی، آثار اقتصادی متفاوتی را به همراه داشته باشد. این آثار می‌تواند شامل بسیاری از مؤلفه‌های اقتصاد کلان باشد و یا مؤلفه‌های عملکردی بانک‌ها و نیز نظام بانکی را تحت تأثیر قرار دهد. از این منظر پرداختن به آثار اقتصادی سیاست‌های «گذار» از عقود مبادله‌ای به عقود مشارکتی یا عکس آن می‌تواند مورد تأکید قرار گیرد.

یکی از مهم‌ترین آثار شیوه تخصیص منابع در بانکداری اسلامی، تأثیرگذاری آن بر نابرابری اقتصادی است. نابرابری‌های اقتصادی به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای از شیوه تخصیص منابع بانکی تأثیر می‌پذیرد. از این‌رو بررسی رابطه میان این دو متغیر ضروری به نظر می‌رسد. شیوه تخصیص منابع بانکی از معیارهای متعددی قابل تحقیق و بررسی است، اما آنچه خاص بانکداری اسلامی است، معیار تخصیص منابع براساس عقود مبادله‌ای یا مشارکتی است. در پژوهش حاضر از همین مبنا به‌عنوان معیاری برای سنجش شیوه تخصیص منابع استفاده شده است. سؤالی که پژوهش حاضر بدان پاسخ می‌دهد این است که شیوه تخصیص منابع در بانکداری اسلامی (گذار از عقود مبادله‌ای به سوی عقود مشارکتی)، چه تأثیری بر نابرابری اقتصادی در ایران دارد؟

براین‌اساس، پژوهش حاضر در ابتدا به بررسی مبانی نظری و روش پژوهش خواهد پرداخت؛ در ادامه داده‌های تحقیق تجزیه و تحلیل می‌شود. نتیجه‌گیری از مباحث و ارائه پیشنهادی سیاستی پایان‌بخش مقاله است.

مبانی نظری پژوهش

بخش دوم مقاله به بررسی مبانی نظری پژوهش اختصاص دارد. در این بخش به بررسی شیوه‌های تخصیص منابع در بانک‌داری اسلامی پرداخته و با شاخص‌سازی شیوه تخصیص منابع، امکان ورود آن در مدل موردنظر فراهم می‌گردد. به همین صورت مسئله نابرابری اقتصادی نیز مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و عوامل مؤثر بر آن صورت‌بندی می‌شود. در ادامه رابطه میان این دو متغیر بررسی می‌شود و سازوکار تأثیرگذاری شیوه تخصیص منابع بر نابرابری اقتصادی تحلیل می‌شود در پایان پیشینه پژوهش بررسی شده و جنبه نوآوری پژوهش تبیین می‌گردد.

تخصیص منابع در بانک‌داری اسلامی

در حالی که تخصیص منابع در بانک‌داری متعارف مبتنی بر قرض ربوی است، بانک‌داری اسلامی با تکیه بر ادله حرمت ربا، ممنوعیت ضرر و غرر و حرمت اکل مال به باطل، شیوه جدیدی از تخصیص منابع بانکی را پیشنهاد می‌دهد. در الگوی تخصیص منابع بانکی در بانک‌داری اسلامی ۴ شیوه اصلی دیده می‌شود که به شرح ذیل قابل تقسیم است (محمدپور و همکاران، ۱۳۹۹).

الف) تسهیلات قرض‌الحسنه؛

ب) تسهیلات در قالب عقود مبادله‌ای؛

ج) تسهیلات در قالب عقود مشارکتی؛

د) سرمایه‌گذاری مستقیم.

الف. قرض‌الحسنه

قرض‌الحسنه، عقدی است که به‌موجب آن، بانک‌ها می‌توانند به‌عنوان قرض‌دهنده، مبلغ معینی را طبق ضوابط مقرر به افراد یا شرکت‌ها قرض بدهند؛ گیرنده متعهد می‌شود معادل مبلغ دریافتی را بازپرداخت کند. این روش از اعطای تسهیلات، روشی غیرانتفاعی است که در آن اهداف خیرخواهانه و کمک به نیازمندان دنبال می‌شود؛ یعنی بانک بابت منابع قرض داده‌شده، سودی دریافت نمی‌کند و فقط در مقابل هزینه‌های اعطای قرض‌الحسنه، کارمزد دریافت می‌کند. ویژگی اصلی این روش، غیرانتفاعی و خیرخواهانه بودن قرارداد قرض‌الحسنه است (شعبانی، ۱۳۹۴، ص ۲۳۸).

ب. عقود مبادله‌ای

عقود مبادله‌ای، عقودی می‌باشند که در آن مؤسسه اعتباری تمام یا بخشی از منابع مالی موردنیاز خانواده یا بنگاه اقتصادی را تأمین می‌کند. این دسته از عقود دارای ویژگی‌های انتفاعی بودن قرارداد، معین بودن سود، تملیکی بودن قرارداد، عدم نیاز به نظارت و کنترل می‌باشند. از جمله عقود مبادله‌ای می‌توان به مرابحه، اجاره به شرط تملیک، فروش اقساطی، سلف، خرید دین، جعاله، ضمان و استصناع اشاره کرد (موسویان و میثمی، ۱۳۹۷).

ج. عقود مشارکتی

عقود مشارکتی، عقودی می‌باشند که در آنها فرد و یا مؤسسه مالی، تمام یا بخشی از منابع موردنیاز برای انجام یک فعالیت اقتصادی (تولیدی، تجاری و یا خدماتی) را تأمین می‌کند؛ سود حاصل از این فعالیت تولیدی براساس قرارداد به صورت درصدی که از قبل تعیین شده، تقسیم می‌شود. این نوع قرارداد دارای ویژگی‌هایی همچون انتفاعی بودن، متغیر بودن نرخ سود، اذنی بودن و نیاز به نظارت و کنترل برخوردار است (موسویان و میثمی، ۱۳۹۷). در قراردادهای مشارکتی، افزون بر مسئولیت احراز صحت قرارداد بانک مسئولیت دارد اقتصادی بودن فعالیت را احراز کند و در طول اجرای پروژه بر کیفیت به‌کارگیری منابع نظارت و کنترل داشته باشد تا از حق و حقوق بانک و سپرده‌گذاران دفاع کند (اکبرزاده، ۱۳۹۲؛ موسویان، ۱۳۸۴). برخی از مهم‌ترین عقود مشارکتی عبارت‌اند از: مضاربه، مزارعه، مساقات، مشارکت مدنی و مشارکت حقوقی.

د. سرمایه‌گذاری مستقیم

مطابق ماده ۸ قانون عملیات بانک‌داری بدون ربا، بانک‌ها اعم از تجاری و تخصصی می‌توانند در طرح‌های تولیدی و عمرانی به سرمایه‌گذاری مستقیم مباردت ورزند. مطابق ماده ۲۸ آیین‌نامه اجرایی، سرمایه‌گذاری مستقیم بانک‌ها عبارت است از تأمین سرمایه لازم جهت اجرای طرح‌های تولیدی و عمرانی انتفاعی به‌وسیله بانک‌هاست. سرمایه‌گذاری مستقیم روی یک طرح می‌تواند به‌وسیله یک بانک یا با مشارکت صورت پذیرد.

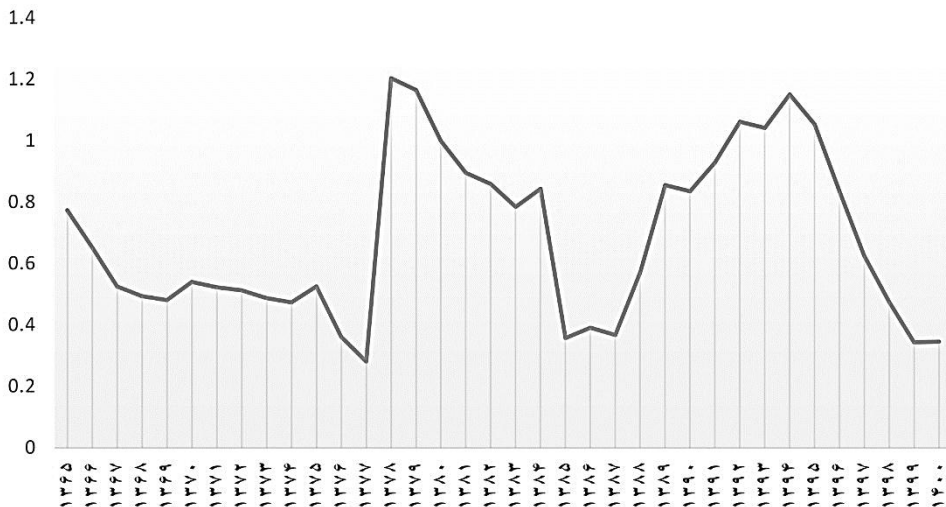
نسبت عقود مبادله‌ای به مشارکتی و آثار آن بر نابرابری‌های اقتصادی

بخش مهمی از تسهیلات بانکی در ایران در قالب عقود مبادله‌ای و مشارکتی پرداخت می‌شود؛ چراکه به‌طور معمول عقد قرض‌الحسنه برای بانک‌ها سود زیادی ندارد؛ سرمایه‌گذاری مستقیم نیز حسب قانون دارای محدودیت است. در نتیجه بانک‌ها تمایل دارند بیشتر منابع در اختیار خود را در قالب عقود مبادله‌ای و مشارکتی تخصیص دهند. با این حال، بین عقود مبادله‌ای و مشارکتی نیز تفاوت قابل‌ملاحظه‌ای وجود دارد. همان‌طوری که در بخش قبلی نیز اشاره شد، در عقود مشارکتی بانک‌ها ریسک بیشتری را می‌پذیرند و در پروژه‌هایی مشارکت می‌کنند که سود بیشتری عائدشان کند. این در حالی است که در عقود مبادله‌ای، بانک کمترین ریسک را متحمل می‌شود و در عین حال انتظار سود ثابت و کمتری نسبت به عقود مشارکتی دارد. در چنین شرایطی رفتار بانک‌ها براساس میزان ریسک‌پذیری آنها و سیاست آنها در تخصیص منابع میان عقود مبادله‌ای و مشارکتی قابل تحلیل است. برای کمی‌سازی این رفتار و استفاده از یک شاخص مناسب برای تحلیل آن، از نسبت عقود مشارکتی به مبادله‌ای به‌عنوان یک شاخص استفاده می‌شود (اسدیان و کاشیان، ۲۰۲۲؛ عرب، ۱۳۹۹).

نسبت عقود مشارکتی به مبادله‌ای نشان می‌دهد که میزان تمایل بانک در تخصیص منابع در قالب عقود مشارکتی به‌طور متوسط چند برابر عقود مبادله‌ای است. هرچه این شاخص بیشتر باشد، نشان از آن دارد که تمایل بانک در

تخصیص منابع در قالب عقود مشارکتی به نسبت عقود مبادله‌ای بیشتر است. در این صورت بانک به دنبال ریسک بیشتر و سودآوری بالاتر بوده است. نمودار (۱)، روند شاخص مذکور طی سال‌های ۱۳۶۵-۱۴۰۰ برای اقتصاد ایران را براساس داده‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد. ذکر این نکته نیز ضروری است که این نوع از رفتارها در بانک‌داری مخصوص بانک‌داری اسلامی است و بانک‌داری متعارف فاقد این نوع از رفتارهاست.

نمودار ۱: نسبت عقود مشارکتی به مبادله‌ای در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران بین سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۴۰۰



منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

همان طوری که نمودار (۱) نشان می‌دهد شاخص مورد بحث در طول زمان تغییرات مختلفی را به خود دیده است و همواره با فراز و فرود زیادی مواجه بوده است. در سال‌های منتهی به ۱۴۰۰ بانک‌ها عمدتاً به سمت عقود مبادله‌ای گذار کرده و از حجم عقود مشارکتی کاسته‌اند.

اما مسئله‌ای که در این پژوهش بیشتر مورد تأکید است، تأثیر رفتار بانک‌ها در تخصیص منابع بر نابرابری اقتصادی است. به‌طور معمول رفتار بانک‌ها در تخصیص منابع بر نابرابری اقتصادی تأثیرگذار است. بانک‌ها برای پرداخت تسهیلات در سطوح خرد از عقود مبادله‌ای استفاده می‌کنند؛ چراکه این عقود دارای سود ثابت است و نیازمند نظارت خاصی نیست. در مقابل، بانک‌ها برای تسهیلات بزرگ عمدتاً از عقود مشارکتی استفاده می‌کنند، چراکه انتظار سود بیشتری از آن دارند. بانک‌ها به دلیل لزوم نظارت بر تسهیلات مشارکتی، عمدتاً تعداد این تسهیلات را محدود می‌کنند؛ اما بانک‌ها تسهیلات مشارکتی را در پروژه‌های بزرگ در اولویت قرار می‌دهند.

در این مقاله این فرضیه را مطرح کردیم که گرایش بیشتر بانک‌ها به سمت عقود مشارکتی، میزان نابرابری‌های اقتصادی را افزایش می‌دهد؛ چراکه تسهیلات مشارکتی صرفاً شامل به سمت بخش خاصی از جامعه روانه می‌شود؛ اختصاص تسهیلات به این بخش بر نابرابری می‌افزاید. مخاطب تسهیلات مشارکتی عمدتاً افراد دارای تمول مالی است؛ از این رو انتظار آن است که اختصاص تسهیلات در قالب عقود مشارکتی به این افراد بر نابرابری‌های اقتصادی

بیفزاید. علاوه بر این، تورم بالا در اقتصاد ایران باعث کاهش سود واقعی بانک از تسهیلات می‌شود؛ در این حالت، وام‌گیرنده معمولاً برنده اصلی دریافت تسهیلات و سپرده‌گذار بازنده است. با توجه به اینکه در بسیاری از سال‌ها تورم از نرخ سود بانکی بیشتر بوده، رونق تسهیلات مشارکتی باعث تقویت این نوع مخاطب محدود تسهیلات شده و بر ثروت آنها می‌افزاید.

در مقابل فرضیه بالا، این استدلال هم قابل طرح است که افزایش عقود مشارکتی بانک‌ها به این معناست که بانک‌ها در سودآوری فعالان اقتصادی شریک می‌شوند. در حالی که در عقود مبادله‌ای بانک‌ها صرفاً به مبلغ ثابتی اکتفا می‌کنند، در عقود مشارکتی متناسب با سود گیرنده تسهیلات مشارکت می‌کنند. در صورتی که گروه‌های هدف تسهیلات مشارکتی به درستی انتخاب شوند (یعنی وام‌گیرندگان فعالان اقتصادی صاحب کسب و کار و نه افراد رانتیر یا دلال باشند) و پروژه‌های انتخابی سودآوری زیادی داشته باشند، این موضوع سبب می‌شود که سودآوری بانک‌ها افزایش یابد و در مورد گروه گیرنده تسهیلات، تعدیل در ثروت اتفاق افتد. با در اختیار گرفتن این سود توسط بانک‌ها و توزیع آن میان سپرده‌گذاران، انتظار این است که نابرابری در اقتصاد کاهش یابد.

همان طوری که توضیحات نشان می‌دهد شیوه تخصیص منابع بانک‌ها در قالب عقود مشارکتی و مبادله‌ای، می‌تواند اثر مثبت و یا منفی بر نابرابری اقتصادی داشته باشد. اینکه در اقتصاد ایران اثر این سیاست منفی یا مثبت بوده، سؤالی است که در این مقاله بدان پاسخ داده می‌شود.

در خصوص تأثیرگذاری شیوه تخصیص منابع در بانک‌داری اسلامی بر متغیرهای اقتصادی پژوهش‌های محدودی انجام گرفته است که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود. در همین پژوهش‌های محدود نیز اکثر ابعاد نظری مسئله مورد توجه قرار گرفته و کمتر از روش‌های تجربی برای آزمون فرضیه‌های مطرح شده استفاده شده است. باین حال برخی از پژوهش‌ها ابعاد تجربی را نیز بررسی کرده‌اند؛ از جمله آنها می‌توان به پژوهش اسدیان و کاشیان (۲۰۲۲) اشاره کرد. پژوهش مذکور به این سؤال پاسخ داده که آیا کاهش سهم تسهیلات مبتنی بر عقود مشارکتی و افزایش سهم تسهیلات مبتنی بر قراردادهای مبادله‌ای، تأثیری بر ثبات بانکی کشورهای اسلامی دارد یا خیر؟ در این پژوهش از داده‌های فصلی چهار کشور دارای بانک‌داری اسلامی طی سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۲۰ در یک مدل رگرسیون تابلویی استفاده شد. نتایج پژوهش مذکور حاکی از آن است که سیاست «گذار» با افزایش سهم تسهیلات مشارکتی و کاهش سهم تسهیلات مبادله‌ای منجر به افزایش ثبات بانکی می‌شود. نکته مهم پژوهش حاضر، اثبات تأثیرگذاری شیوه تخصیص منابع بانکی بر ثبات بانکی آن کشورهاست.

برخی دیگر از تحقیقات تجربی، به بررسی تأثیرپذیری شیوه تخصیص منابع بانکی از متغیرهای کلان اقتصادی پرداخته است. برای نمونه، عرب (۱۳۹۹) به بررسی تأثیر ریسک بازارهای مالی بر جابه‌جایی منابع تخصیصی بانک‌ها از عقود مشارکتی به مبادله‌ای در ایران پرداخته است. در این پژوهش، تأثیر ثبات مالی بر شیوه تخصیص منابع بررسی شده است. بنا به استدلال مقاله، افزایش ریسک بازارهای مالی نقش مهمی در

جابه‌جایی شیوه تخصیص منابع از عقود مبادله‌ای به مشارکتی و یا عکس آن دارد. لذا پژوهش به بررسی تأثیر ریسک بازار بورس تهران بر جابه‌جایی تسهیلات بانکی از عقود مشارکتی به مبادله‌ای طی سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۹۷ پرداخته است. براساس نتایج این تحقیق افزایش ریسک بازار بورس تهران سبب جابه‌جایی منابع تخصیصی از عقود مشارکتی به مبادله‌ای در کوتاه‌مدت شده است. با این وجود در شرایط بلندمدت نمی‌توان رابطه معنی‌داری بین این متغیرها پیدا کرد و علت آن را می‌توان سایر سیاست‌های بانک‌ها برای جابه‌جایی این تسهیلات در ایران دانست.

یکی دیگر از پژوهش‌ها که به نوعی تفکیک میان عقود بانکی را در نظر گرفته است، مربوطه به پژوهش مکیان و الراجی (۱۴۰۰) است. آنها با تأکید بر تسهیلات قرض‌الحسنه، به بررسی تأثیر این نوع از تسهیلات بر اشتغال در استان‌های ایران می‌پردازد. در این پژوهش، تأثیر تسهیلات قرض‌الحسنه بر اشتغال مورد توجه قرار گرفته است. در این راستا، از مدل داده‌های تابلویی شامل استان‌های ایران در سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۹۸ استفاده گردیده است. یافته‌های تحقیق بیان می‌کند که تسهیلات قرض‌الحسنه، تولید ناخالص داخلی، سرمایه فیزیکی و بهره‌وری نیروی کار تأثیر مثبت و معنی‌داری بر اشتغال استان‌ها دارد. علاوه بر این، مشاهده می‌شود که بیشترین تأثیر مربوط به تولید ناخالص داخلی و سرمایه فیزیکی است؛ اشتغال بیشتر از آنکه تابع تسهیلات قرض‌الحسنه و بهره‌وری نیروی کار باشد، تحت تأثیر شرایط اقتصاد کلان قرار دارد.

تا اینجا، پژوهش‌هایی مورد بررسی قرار گرفتند که تأثیر شیوه تخصیص منابع بانکی بر متغیرهای اقتصادی را با روش تجربی مورد بررسی قرار دادند. همان‌طوری که پژوهش‌های فوق نشان می‌دهند شیوه تخصیص منابع بانکی می‌تواند بر متغیرهای کلان اقتصادی مؤثر باشد، با این حال هیچ پژوهشی تأثیر این متغیر بر نابرابری‌های اقتصادی را مورد بررسی قرار نداده است. البته در کنار پژوهش‌های فوق، برخی از تحقیقات به رابطه بازارهای مالی و پولی با نابرابری‌های اقتصادی پرداخته‌اند. از جمله *داودی و سبزی خوشنام* (۱۴۰۰) به بررسی اثر توسعه مالی بر نابرابری درآمد در ایران طی سال‌های ۹۹-۱۳۴۶ با استفاده از روش رگرسیون آستانه‌ای می‌پردازند. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که بررسی اثر توسعه مالی بخش بانکی و بازار سهام بر نابرابری درآمد دارای حد آستانه‌ای است. با این توضیح که در مدل یک، توسعه مالی بخش بانکی قبل و بعد از حد آستانه‌ای اثر معنادار و منفی بر نابرابری دارد. در مدل دو، توسعه مالی بازار سهام تا قبل از رسیدن به حد آستانه‌ای اثر معنادار و منفی بر نابرابری درآمد و بعد از حد آستانه‌ای اثر معنی‌داری وجود ندارد. با این حال، شواهد کافی جهت تایید اثر توسعه مالی بر نابرابری درآمد در قالب فرضیه U معکوس گرین‌وود و جوانوویچ یافت نمی‌شود.

در پژوهش دیگر، *کلویانی و دستیار* (۱۳۹۹) به بررسی تأثیر استقلال بانک مرکزی بر توزیع درآمد، ثبات مالی و بیکاری در ایران پرداخته است. برای دستیابی به هدف یادشده، از اطلاعات اقتصادی طی دوره زمانی ۴۰ ساله استفاده شده است. داده‌ها با استفاده از الگوی خودبازگشت با وقفه‌های توزیعی (ARDL) تجزیه و تحلیل شده است. نتایج

نشان می‌دهد که در دوره کوتاه‌مدت و بلندمدت، استقلال بانک مرکزی بر نابرابری درآمد و در دوره کوتاه‌مدت، بر ثبات مالی اثر مثبت و معناداری می‌گذارد و در دوره کوتاه‌مدت و بلندمدت، بر بیکاری تأثیر منفی و معناداری دارد. در برخی از پژوهش‌ها، رابطه بانک‌داری اسلامی و نابرابری‌های اقتصادی و یا عدالت در حد نظری مورد بررسی قرار گرفته است، و یا با شاخص‌سازی سعی در ارزیابی عملکرد به صورت آماری شده است. از جمله سبحانی و امیرعلی (۱۳۹۳) کارایی اقتصادی، برابری در دسترسی به تسهیلات بانکی و اولویت اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه از سپرده‌های قرض‌الحسنه را به‌عنوان معیار توزیع عادلانه منابع بانکی معرفی کردند؛ از نظر آنها، حفظ ارزش پول ملی، شفافیت اطلاعات و نظارت، اصول عدالت‌سیانته می‌باشند. براساس نتایج تحقیق، شاخص بازده دارایی‌ها معیار خوبی برای ارزیابی کارایی تسهیلات اعطایی نیست. بررسی تحقیقات پیشین دلالت بر آن دارد که موضوع پژوهش حاضر سابقه‌ای در تحقیقات پیشین ندارد و از این حیث دارای نوآوری است.

روش پژوهش

در این مقاله، برای بررسی رابطه بین نسبت عقود مشارکتی به مبادله‌ای با نابرابری‌های اقتصادی، از روش سری زمانی استفاده شده است. دوره زمانی پژوهش حاضر ۳۶ سال طی سال‌های ۱۳۶۵-۱۴۰۰ انتخاب شده است. متغیر وابسته این پژوهش نابرابری اقتصادی است. معمولاً برای اندازه‌گیری نابرابری اقتصادی، از شاخص ضریب جینی استفاده می‌شود. این پژوهش نیز از همین شاخص استفاده کرده؛ چراکه یک شاخص جهانی محسوب می‌شود و از طرفی داده‌های معتبری برای آن وجود دارد. متغیر مستقل پژوهش، نسبت عقود مشارکتی به مبادله‌ای است که نشانگر رفتار بانک‌ها در خصوص تخصیص منابع است. سایر متغیرهایی که به تصریح بهتر مدل کمک می‌کنند به متغیرها اضافه شده‌اند که عبارتند از نرخ رشد اقتصادی، نرخ ارز و تورم. این ۳ متغیر از شاخص‌های تأثیرگذار بر نابرابری اقتصادی می‌باشند. براین اساس تصریح مدل پژوهش به شرح ذیل خواهد بود:

$$GINI_t = \alpha + \beta_1 GGDP_t + \beta_2 MTOM_t + \beta_3 Inf_t + \beta_4 EX_t + u_t$$

در معادله بالا، $GINI$ نشانگر ضریب جینی به‌عنوان شاخص نابرابری، $GGDP$ نشان‌دهنده رشد اقتصادی، $MTOM$ نشان‌دهنده نسبت تسهیلات پرداختی در قالب عقود مبادله‌ای به مشارکتی، Inf نشان‌دهنده تورم و EX بیانگر نرخ ارز می‌باشد. u_t نیز شامل پسماندهای مدل است که اثر سایر متغیرها را نشان می‌دهد.

در این مقاله از رویکرد مدل خود رگرسیون با وقفه توزیعی (ARDL) معرفی شده توسط پسران و همکاران (۲۰۰۱) برای بررسی هم‌جمعی و نیز تخمین روابط بلندمدت بین متغیرها استفاده شده است. این روش مزیت‌های زیادی نسبت به سایر تکنیک‌های مرسوم دارد؛ مهم‌ترین مزیت رویکرد ARDL این است که این روش صرف‌نظر از اینکه متغیرهای مدل $I(0)$ یا $I(1)$ می‌باشند، قابل کاربرد است؛ دلیل دیگر اینکه این روش در نمونه‌های کوچک

یا محدود کارایی نسبتاً بیشتری در مقایسه با روش‌های دیگر دارد؛ همچنین در این روش علاوه بر محاسبه روابط بلندمدت میان متغیرها، امکان محاسبه روابط پویا و کوتاه‌مدت وجود دارد؛ ضمن آنکه سرعت تعدیل به تعادل بلندمدت پس از شوک‌های کوتاه‌مدت، با افزودن مدل ECM قابل محاسبه است؛ افزون بر این، مشکل درون‌زایی به دلیل همبسته نبودن جملات اخلاص در رویکرد ARDL بروز نمی‌کند (پسران و شین، ۱۹۹۹).

برای اجرای مدل می‌بایست در مرحله اول آزمون‌های پیشینی و پسینی متعددی صورت گیرد، تا نتایج به‌دست‌آمده از تخمین مدل را اطمینان‌بخش کند. این آزمون‌ها به شرح ذیل می‌باشند:

آزمون مانایی

به‌طور کلی یک فرایند تصادفی هنگامی مانا نامیده می‌شود که میانگین و واریانس آن طی زمان ثابت باشد و مقدار کوواریانس بین دو دوره زمانی، تنها به فاصله یا وقفه بین این دو دوره بستگی داشته و ارتباطی به زمان واقعی محاسبه کوواریانس نداشته باشد (گجراتی، ۱۳۸۷)؛ به‌عبارتی دیگر، اگر Y به‌عنوان متغیر سری زمانی تصادفی، با ویژگی‌های زیر وجود داشته باشد:

$$E(Y_t) = \mu$$

$$VAR(Y_t) = E(Y_t - \mu)^2 = \sigma^2$$

$$Y_k = E(Y_t - \mu)(Y_{t+k} - \mu)$$

که در آن Y_k کوواریانس در وقفه K است؛ کوواریانس بین مقادیر Y_t و Y_{t+k} یعنی دو مقدار Y در فاصله زمانی k می‌باشد. حال اگر سری زمانی Y از مبدا زمانی t به $t+m$ انتقال یابد، سری زمانی Y پایا خواهد بود؛ البته در صورتی که میانگین، واریانس و کوواریانس سری Y_t و Y_{t+k} با هم برابر باشند. بنابراین، یک سری زمانی هنگامی پایا خواهد بود که میانگین، واریانس و کوواریانس در وقفه‌های مختلف سری زمانی یکسان بوده و ثابت باقی بماند. استفاده از داده‌های نامانا می‌تواند منجر به رگرسیون‌های کاذب شود (علایی‌پور و کاشیان، ۱۴۰۱).

آزمون خودهمبستگی

عدم خودهمبستگی بین جملات خطا یکی از فروض اساسی برای روش OLS است. همبستگی خطاها با یکدیگر را اصطلاحاً «خودهمبستگی» یا «همبستگی سریالی» می‌گویند. برای بررسی خودهمبستگی، از برآورد خطاها (یعنی et) استفاده می‌شود. به‌طور کلی خودهمبستگی بیانگر رابطه بین et با وقفه‌های آن است.

آزمون نرمالیتی

یکی از فروض مربوط به جمله خطاها این است که u_t توزیع نرمال دارد:

$$u_t \sim N(0, \sigma^2)$$

می‌دانیم که تمام آزمون‌های مربوط به معنادار بودن ضرایب، مبتنی بر فرض نرمال بودن u_t است. اگر u_t دارای توزیع نرمال با میانگین صفر باشد، آنگاه در اطراف میانگین خود به صورت متقارن توزیع می‌شود؛ اما اگر توزیع u_t نرمال نباشد، ممکن است قرینه نباشد و دارای چولگی باشد (علایی‌پور و کاشیان، ۱۴۰۱).

آزمون واریانس همسانی

اگر جمله خطا دارای واریانس ثابت نباشد، آن را «واریانس ناهمسانی» می‌گویند که در مقابل «واریانس همسانی» قرار دارد. واریانس ناهمسانی یکی از مشکلاتی است که در برآورد معادلات رگرسیون با آن مواجه می‌شویم. واریانس ناهمسانی بدان معناست که واریانس u_t (و به دنبال آن واریانس Y_t) ثابت نیست و معمولاً همراه با یک یا چند متغیر افزایش می‌یابد. این پدیده به‌ویژه در داده‌های مقطعی بسیار به چشم می‌خورد. در داده‌های سری زمانی نیز ممکن است نوسانات یک متغیر مانند بازده سهام، نرخ ارز و نرخ تورم در طول زمان افزایش یابد که شواهدی از واریانس ناهمسانی می‌باشند.

در رگرسیون $Y_t = \alpha + \beta X_t + u_t$ واریانس u_t و واریانس شرطی Y_t برابر است با:

$$\sigma_t^2 = E(u_t^2 | X_t) = \text{var}(Y_t | X_t)$$

با افزایش X ، واریانس Y حول میانگین شرطی (خط رگرسیون) افزایش می‌یابد؛ بنابراین واریانس شرطی Y و u تابعی از X است.

$$\sigma_t^2 = E(u_t^2 | X_t) = \text{var}(Y_t | X_t) = f(X_t)$$

از طرف دیگر، می‌توان رابطه فوق را برای u_t^2 به صورت زیر نوشت:

$$u_t^2 = E(u_t^2 | X_t) + \varepsilon_t \varepsilon_t \sim N(0, \sigma_\varepsilon^2)$$

از آنجا که مقدار u_t را نداریم، از برآورد آن، یعنی e_t استفاده می‌کنیم:

$$e_t^2 = f(X_t) + \varepsilon_t$$

معادله بالا یک معادله رگرسیون است که e_t^2 را روی X_t برازش می‌کند. تابع f نوع رابطه بین e_t^2 و X_t را مشخص می‌کند که می‌تواند هر شکلی داشته باشد. معمولاً هریک از روش‌های تشخیص واریانس ناهمسانی شکل خاصی از تابع f را در نظر می‌گیرند (علایی‌پور و کاشیان، ۱۴۰۱).

تحلیل داده‌ها و نتایج پژوهش

آمار توصیفی

در بخش آمار توصیفی به بررسی ویژگی‌های داده‌های مورد استفاده در این پژوهش پرداخته می‌شود. همان‌طوری که داده‌های در جدول ۱ نشان می‌دهد، ۵ متغیر مورد استفاده در این پژوهش عبارتند از: ضریب

جینی، نرخ رشد اقتصادی، نرخ تورم، نسبت عقود مشارکتی به مبادله‌ای و لگاریتم نرخ ارز. داده‌های اصلی پژوهش مربوط به سال ۱۳۶۵-۱۴۰۰ است. داده‌های جدول (۱) اطلاعات ۳۶ سال را گزارش می‌دهد. متوسط ضریب جینی در طول دور مطالعه برابر با ۰,۳۹۸۳۹۷ است و انحراف از معیار نسبتاً پایینی دارد. متوسط نرخ رشد اقتصادی در این دوره ۲,۶۹۵ است؛ البته این متغیر انحراف از معیار نسبتاً بالایی را نشان می‌دهد. نرخ رشد اقتصادی در برخی از سال‌ها به ۱۳,۵۹ درصد می‌رسد؛ این متغیر در برخی از سال‌ها، رقم منهای ۹,۷۸ درصد را تجربه کرده است.

متوسط نسبت عقود مبادله‌ای به مشارکتی، به‌عنوان یکی از متغیرهای اصلی پژوهش، ۰,۶۸ است؛ این امر دلالت بر آن دارد که در طول ۳۶ سال مورد مطالعه بانک‌ها تمایل بیشتری نسبت به عقود مبادله‌ای داشته‌اند. باین‌حال در برخی از سال‌ها این شاخص به ۱,۲ نیز می‌رسد که دلالت بر تغییر ترجیحات بانک‌ها در تخصیص منابع می‌کند؛ در برخی از سال‌ها شاخص مزبور به عدد ۰,۲۸ رسیده که بیانگر بی‌رغبتی بانک‌ها نسبت به اعطای تسهیلات مشارکتی است. در تمامی این سال‌ها، تغییر ترجیحات بانک‌ها از طریق این شاخص قابل سنجش است و از این جهت بررسی تأثیر تغییر رفتار بانک‌ها در شیوه تخصیص منابع از عقود مشارکتی به مبادله‌ای بر نابرابری‌های اقتصادی قابل بحث و بررسی است.

جدول ۱: آمار توصیفی

متغیر	میانگین	میانه	بیشترین	کمترین	انحراف از معیار	تعداد
<i>GINI</i>	۰,۳۹۸۳۹۷	۰,۳۹۹۴۵	۰,۴۱۹۱	۰,۳۷۵	۰,۰۰۸۶۳	۳۶
<i>GR</i>	۲,۶۹۵	۲,۵۲۵	۱۳,۵۹	۹,۷۸-	۴,۸۳۰۲۳	۳۶
<i>INF</i>	۲۱,۵۷۵۹۴	۱۷,۹۴۰۱	۴۹,۶۵۶	۷,۲۴۵۴۳	۱۰,۹۶۴	۳۶
<i>LNEX</i>	۹,۱۱۰۲۵۳	۹,۰۶۹۹۷	۱۲,۵۰۶۲	۶۶۰۹۳۵	۱,۵۲۷۶۵	۳۶
<i>MTOM</i>	۰,۶۸۴۰۰۷	۰,۵۹۸۱۷۹	۱,۲۰۳۲۳	۰,۲۸۰۹۵	۰,۲۷۳۳۹	۳۶

منبع: یافته‌های پژوهش

آزمون‌های تشخیصی

برای اجتناب از رگرسیون کاذب ابتدا باید از مانا بودن متغیرها اطمینان حاصل کنیم. فرض صفر این آزمون بیانگر نامانایی متغیرهاست. به منظور بررسی وضعیت مانایی سری‌های زمانی در مطالعه حاضر از آزمون ریشه واحد فیلپس - پرون استفاده شده است؛ نتایج این بررسی در جدول (۲) ارائه شده است:

جدول ۲: نتایج ریشه واحد متغیرها

وضعیت	ریشه واحد			در سطح	نام متغیر
	احتمال	آماره	احتمال		
I(۱)	۰/۰۰۰۰۱	-۵/۴۸	۰/۱۵	-۲/۳۷	MTOM
I(۱)	۰/۰۰۰۰۸	-۴/۶۱	۰/۹۹	-۰/۹۵	LnEX
I(۱)	۰/۰۰۰	-۵/۸۲	۰/۱۲	-۲/۴۹	INF
I(۰)	-	-	۰/۰۱	-۳/۴۴	GINI
I(۰)	-	-	۰/۰۰۰۸	-۵/۰۷	GGGP

منبع: یافته‌های پژوهش

براساس نتایج آزمون فیلیپس - پرون، متغیرهای نسبت عقود مبادله‌ای به مشارکتی، نرخ ارز و تورم، در سطح نامانا و در تفاضل مرتبه اول مانا می‌باشند؛ ولی دو متغیر ضریب جینی و رشد اقتصادی در سطح مانا هستند. با توجه به اینکه تمامی متغیرهای پژوهش، مانا در سطح بوده و یا تفاضل مرتبه اول آن ماناست؛ در نتیجه امکان استفاده از مدل ADRL وجود دارد و تخمین‌ها می‌تواند دارای اعتبار بالایی باشد.

صحت نتایج به دست آمده از اجرای مدل ARDL منوط به آن است که آزمون‌های تشخیصی مدل، تحقق شرایط فروض کلاسیک را تضمین کند. بعد از اطمینان از تحقق شرایط مانایی متغیرها برای اجرای مدل، گام دوم تعیین وقفه بهینه برای متغیرهای مورد استفاده در پژوهش است. با توجه به محدودیت در تعداد داده‌ها، تعداد وقفه بهینه با استفاده از معیار شوارتز - بیزین (SBC) تعیین شده است و براساس آن مدل تخمین خورده است. براساس معیار شوارتز در انتخاب وقفه‌های بهینه، مدل به صورت ذیل تخمین خواهد خورد:

Selected Model: ARDL(۴, ۲, ۴, ۱, ۱)

در معادله بالا، رشد اقتصادی با یک وقفه، تورم با ۴ وقفه، نرخ ارز با ۲ وقفه، نسبت عقود با ۴ وقفه و متغیر ضریب جینی تنها با ۱ وقفه وارد مدل شدند.

آماره دوربین - واتسون DW نشان دهنده آن است که مدل فاقد مشکل خودهمبستگی است. همچنین نتایج آزمون LM در مدل فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود خودهمبستگی سریالی جملات اخلال را نمی‌توان در سطح اطمینان قابل قبولی رد کرد. براساس نتایج آزمون ARCH در هر دو مدل فرضیه صفر مبنی بر وجود همسانی واریانس را در سطح اطمینان قابل قبولی نمی‌توان رد کرد. به علاوه، براساس آماره جارکو - برا (JB) فرضیه صفر نرمال بودن نمی‌تواند در سطح قابل قبولی رد شود. آماره F استاندارد نشان می‌دهد که کل مدل به لحاظ آماری معنادار است.

جدول ۳: آزمون‌های تشخیصی

$(p\text{-value})ARCH$	$(p\text{-value})LM\ Test$	آماره $JB(p\text{-value})$	آماره $F(p\text{-value})$
۰/۱۲۲ (۰/۱۷۲۹)	۰/۹۷۰ (۰/۴۰۶)	۱/۵۷۰ (۰/۴۵)	۶/۴۶۷۶ (۰/۰۰۰)
R-squared		DW – statistic	
۰/۹۲		۲/۲۲۰	

منبع: یافته‌های پژوهش

پس از آزمون باند جهت تشخیص ارتباط هم‌انباشتگی میان متغیرهای پژوهش استفاده می‌شود. با توجه به نتایج جدول (۴) ۴، مقدار آماره F در سطح اطمینان ۹۹ درصد بزرگتر از باند (مقدار بحرانی) بالا است. بنابراین، یک ارتباط تعادلی بلندمدت میان متغیرهای پژوهش وجود دارد.

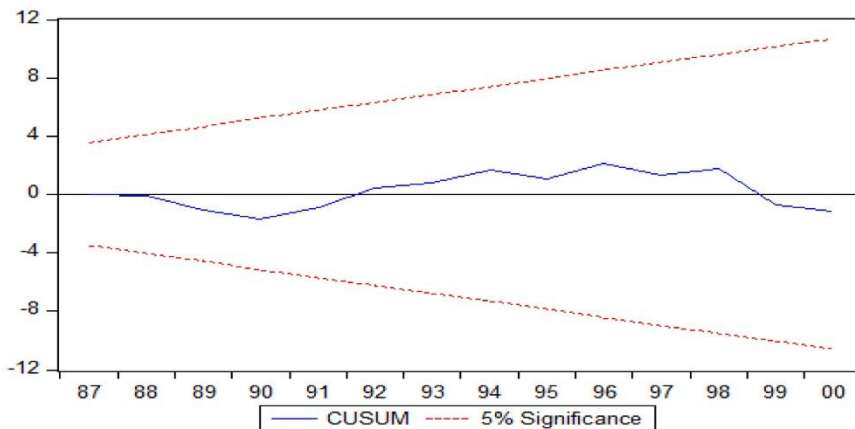
جدول ۴: تشخیص ارتباط هم‌انباشتگی

مقادیر بحرانی		سطح	آماره
باند پائین	باند بالا	معنی‌داری	آزمون (F)
۳,۰۳	۴,۰۶	۱۰٪	۲۳/۵۰
۳,۴۷	۴,۵۷	۵٪	
۳,۸۹	۵,۰۷	۲,۵٪	
۴,۴	۵,۷۲	۱٪	

منبع: یافته‌های پژوهش

تکنیک‌های رایج حاصل جمع تجمعی (CUSUM) که توسط براون و دیگران (۱۹۷۵) ارائه شده است، جهت بررسی پایداری مدل‌های برآورد شده، استفاده می‌شود. نتایج این آزمون در نمودار (۲) نمایش داده شده است. آماره آزمون CUSUM برای دوره‌های مختلف در بین خطوط بحرانی قرار می‌گیرد، بنابراین فرضیه صفر پایداری مدل نمی‌تواند در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد شود و پارامترهای مدل از ثبات لازم برخوردارند.

نمودار ۲: آزمون پایداری CUSUM



نتایج تخمین مدل در بلندمدت

بعد از حصول اطمینان از برقراری شروط لازم برای اجرای صحیح یک مدل، در این بخش نتایج به دست آمده از تخمین پارامترهای مدل ارائه شده و مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. جدول (۵) نتایج تخمین بلندمدت پارامترهای مدل براساس روش ARDL را نشان می‌دهد.

جدول ۵: نتایج آزمون بردار بلندمدت

نام متغیر	ضرایب	آماره آزمون (t)	Prob
GGDP	-۰,۰۰۰۶۱۲	-۳,۷۲۶۷۳۳	۰,۰۰۲۳
INF	۰,۰۰۰۲۵۸	۲,۲۴۲۲۰۲	۰,۰۴۱۷
LnEX	۰,۰۰۹۰۳۷	۷,۵۵۷۲۷۵	۰,۰۰۰۰
MTOM	۰,۰۳۰۷۱۱	۱۰,۸۸۵۴۲	۰,۰۰۰۰

نتایج تخمین پارامترهای مدل دلالت بر آن دارد که شاخص نسبت عقود مبادله‌ای به مشارکتی اثر مثبت و معنی‌داری بر ضریب جینی دارد. براساس نتایج به دست آمده، چنانچه نسبت عقود مشارکتی به مبادله‌ای، یک واحد افزایش یابد، ضریب جینی به میزان ۰/۰۳ افزایش می‌یابد. همان‌طور که در جدول (۵) ملاحظه می‌شود، در بلندمدت لگاریتم قیمت بازار ارز اثر مثبت و معناداری بر ضریب جینی دارد، به عبارتی دیگر، یک واحد افزایش در قیمت ارز، امکان جابجایی در شاخص ضریب جینی تا ۰,۰۰۹۰۳۷ را ایجاد می‌کند.

براساس نتایج پژوهش، رشد اقتصادی تأثیر معنی‌دار منفی بر ضریب جینی دارد. براین اساس، افزایش یک درصدی در رشد اقتصادی می‌تواند ضریب جینی را تا منفی ۰,۰۰۰۶۱۲ واحد، تغییر دهد. نهایتاً نتایج به دست آمده درخصوص تورم نیز بیانگر رابطه مستقیم میان تورم و ضریب جینی است؛ به طوری که افزایش یک درصدی در تورم، منجر به افزایش ۰,۰۰۰۲۵۸ واحدی در ضریب جینی می‌شود.

تفسیر نتایج

نتایج به دست آمده در تخمین پارامترهای مدل دلالت‌های بسیار مهمی درخصوص تأثیر شیوه تخصیص منابع بانکی بر نابرابری اقتصادی دارد. براساس یافته‌های پژوهش، نسبت عقود مشارکتی به مبادله‌ای رابطه مستقیم و معنی‌داری با نابرابری اقتصادی دارد؛ هر واحد افزایش در نسبت مذکور منجر به افزایش مقدار قابل توجه ۰,۰۳۰۷۱۱ واحدی در ضریب جینی می‌شود. براین اساس، به هر میزانی که بانک‌ها گرایش به سمت عقود مشارکتی پیدا می‌کنند و از عقود مبادله‌ای فاصله می‌گیرند، نابرابری‌های اقتصادی نیز افزایش می‌یابد. به عنوان مثال انتظار بر این است ضریب جینی در سال‌هایی که نسبت عقود مشارکتی به مبادله‌ای به میزان ۱/۳ بوده، در مقایسه با سالی که نسبت مزبور برابر ۰/۳ بوده است، تا ۰/۰۳ واحد بیشتر باشد. با توجه به انحراف از معیار ۰,۰۰۸۶۳ واحدی، عدد جابجایی در ضریب جینی، عدد نسبتاً بزرگی است. این نتیجه مؤید دیدگاهی است که معتقد است به هر میزانی که بانک‌ها به سمت عقود

مشارکتی گرایش یابند، میزان نابرابری‌های اقتصادی نیز افزایش می‌یابد؛ چراکه تسهیلات مشارکتی صرفاً شامل بخش خاصی از جامعه می‌شود و اختصاص تسهیلات به این بخش بر نابرابری‌ها می‌افزاید. از آنجا که مخاطب تسهیلات مشارکتی عمدتاً افراد دارای تمول مالی می‌باشند، انتظار می‌رود که اختصاص تسهیلات در قالب عقود مشارکتی به این افراد بر نابرابری‌های اقتصادی بیفزاید.

نتیجه دوم پژوهش، تأثیر رشد اقتصادی بر نابرابری‌های اقتصادی است. برخلاف بسیاری از تئوری‌هایی که تضاد بین رشد اقتصادی و نابرابری را ترویج می‌کنند، نتایج پژوهش دلالت بر آن دارد که رشد اقتصادی در ایران منجر به بهبود سطح برابری شده است. یک دلیل آن می‌تواند ساختار اقتصاد ایران باشد که بخش قابل توجهی از رشد اقتصادی کشور مربوط به درآمدهای نفتی است که در اختیار دولت قرار می‌گیرد. طبیعتاً در چنین شرایطی امکان توسعه مخارج عمومی بیشتر می‌شود؛ در نتیجه کاهش نابرابری نیز اتفاق می‌افتد. بازاری هر درصد از رشد اقتصادی، ضریب جینی تا منفی ۰,۰۰۰۶۱۲ واحد تغییر می‌کند.

سومین نتیجه پژوهش رابطه تورم و نابرابری است. بسیاری از نظریه‌های اقتصادی بر رابطه تورم و نابرابری تأکید دارند. نتایج پژوهش حاضر نیز چنین فرضیه‌ای را تأیید می‌کند. به هر نسبتی که تورم افزایش یابد، میزان نابرابری نیز افزایش می‌یابد. نکته‌ای که در نتایج پژوهش قابل ذکر است، شدت تأثیرگذاری تورم بر نابرابری اقتصادی است. افزایش یک درصدی در تورم، منجر به افزایش ۰,۰۰۰۲۵۸ واحدی در ضریب جینی می‌شود که البته مقداری قابل توجهی نیست. در شرایط تورم ۱۰۰ درصدی نیز حداکثر ۰/۰۲۵۸ واحد ضریب جینی افزایش می‌یابد. یک دلیل این موضوع آن است که شاخص ضریب جینی در ایران برحسب نابرابری درآمدی یا مخارج محاسبه می‌شود. درحالی‌که مسئله تورم عمدتاً در شاخص توزیع ثروت نمود بیشتری دارد. نهایتاً رابطه نرخ ارز و نابرابری‌های اقتصادی است که انتظار مثبت بودن این رابطه نیز برآورده شده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادهای سیاستی

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه سیاست بانک‌ها در گذار از عقود مبادله‌ای به مشارکتی با نابرابری‌های اقتصادی است. پژوهش حاضر ضمن جمع‌آوری داده‌های مربوط به پرداخت تسهیلات در قالب عقود مشارکتی و مبادله‌ای، از نسبت عقود مشارکتی به مبادله‌ای به‌عنوان شاخصی برای سیاست بانک‌ها در گذار از عقود مبادله‌ای به مشارکتی استفاده کرد؛ هرچه این شاخص بزرگ‌تر باشد، بدین معناست که بانک‌ها ترجیح داده‌اند از عقود مشارکتی بیشتری نسبت به عقود مبادله‌ای استفاده کنند. در این مقاله برای بررسی نابرابری در اقتصاد ایران از شاخص ضریب جینی استفاده شده است. برای بررسی رابطه نسبت تسهیلات مشارکتی به مبادله‌ای با ضریب جینی از روش خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی استفاده کردیم؛ در این بررسی متغیرهایی همچون تورم، رشد اقتصادی و نرخ ارز نیز به‌عنوان متغیرهای کنترل به مدل اضافه شده‌اند.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد همه متغیرهای مورد استفاده در پژوهش بر نابرابری‌های اقتصادی تأثیرگذار بودند. تورم و افزایش نرخ ارز نابرابری اقتصادی را افزایش داده‌اند؛ رشد اقتصادی نیز نابرابری اقتصادی را کاهش داده است. درخصوص متغیر اصلی پژوهش یعنی نسبت تسهیلات اعطایی بانک‌ها براساس عقود مشارکتی به مبادله‌ای نیز رابطه مثبت و معنی‌داری به‌دست آمده است. طبق نتایج به‌دست‌آمده بازای هر واحد افزایش در نسبت عقود مبادله‌ای به مشارکتی، ضریب جینی به میزان $0/03$ واحد، افزایش یافته است. براساس نتایج به‌دست‌آمده، پیشنهادهای ذیل مطرح می‌شود:

۱. چنانچه هدف اصلی نظام اقتصادی کشور کاهش ضریب جینی و به تعبیری کاهش نابرابری در اقتصاد باشد، گذار از عقود مشارکتی به مبادله‌ای می‌تواند تأثیرگذار باشد.
۲. پیشنهاد مطرح‌شده در بند یک، آثار سیاست مذکور بر نابرابری اقتصادی را سنجیده است، اما اینکه این سیاست چه تأثیری بر سایر متغیرهای کلان اقتصادی دارد و یا اینکه بر شاخص‌های عملکردی بانک‌ها چه تأثیری دارد، نیازمند تحقیقات دیگری است.
۳. نابرابری اقتصادی از متغیرهای متعددی تأثیر می‌پذیرد که از جمله آنها تورم و نرخ ارز و نیز رشد اقتصادی است. داشتن یک نظام سیاست‌گذاری جامع برای کنترل نابرابری در اقتصاد در کنار موضوع تسهیلات بانک‌داری اهمیت خاص خود است.

- اکبرزاده، معین، ۱۳۹۲، «مقایسه تطبیقی عقود مبادله‌ای و مشارکتی و شناخت مشکلات و فواید کاربرد آنها در نظام بانکداری اسلامی»، *اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ش ۴، ص ۱۶۱-۱۹۸.
- داودی، پرویز و حسن سبزی خوشنامی، ۱۴۰۰، «اثر آستانه‌ای توسعه مالی بر نابرابری درآمد در ایران؛ مقایسه بخش بانکی و بازار سهام»، *پژوهشنامه اقتصادی*، ش ۸۳، ص ۱۴۷-۱۶۳.
- سبحانی، حسن و محمد امیرعلی، ۱۳۹۳، «پژوهشی در استخراج معیارهای حق و عدل در بانکداری بدون ربا»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۵۵، ص ۸۹-۱۱۹.
- شعبانی، احمد، ۱۳۹۴، *درآمدی بر بانکداری اسلامی*، تهران، دانشگاه امام صادق ع.
- عرب، محمد، ۱۳۹۹، *تأثیر ریسک بازار سهام بر جابجایی تسهیلات بانکی از عقود مشارکتی به عقود مبادله‌ای در ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد، سمنان، دانشگاه سمنان.
- علایی‌پور، فرشته و عبدالمحمد کاشیان، ۱۴۰۱، «تأثیر مؤلفه‌های اقتصادی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بر توسعه روابط تجاری با چین»، *مطالعات قدرت نرم*، ش ۱۲، ص ۵۷-۸۲.
- کاویانی، میثم و فاطمه دستیار، ۱۳۹۹، «تأثیر استقلال بانک مرکزی ایران بر توزیع درآمد، ثبات مالی و بیکاری»، *مطالعات مالی و بانکداری اسلامی*، ش ۱۴، ص ۱۰۹-۱۳۳.
- گجراتی، دامور، ۱۳۸۷، *مبانی اقتصاد سنجی*، ترجمه حمید ابریشمی، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ایران.
- محمدپور، مریم و همکاران، ۱۳۹۹، «مدل‌سازی اعطای تسهیلات درمانی و سلامت مبتنی بر عقود انتفاعی در بانکداری اسلامی»، *تحقیقات مالی اسلامی*، ش ۱۹، ص ۳۴۹-۳۷۶.
- مکیان، سیدنظام‌الدین و مصطفی الراجی، ۱۴۰۰، «تأثیر تسهیلات قرض‌الحسنه بر اشتغال در اقتصاد ایران»، *اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ش ۱۰ (۳۵)، ص ۳۱-۴۷.
- موسویان، سیدعباس و حسین میثمی، ۱۳۹۷، *بانکداری اسلامی (۱): مبانی نظری - تجارب عملی*، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی.
- موسویان، سیدعباس، ۱۳۸۴، «ارزیابی قراردادهای شیوه‌های اعطای تسهیلات در بانکداری بدون ربا»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۱۹، ص ۴۵-۷۰.
- Asadian, M.; Kashian, A., 2022, Transition Policy and Banking Stability: A New Approach to Policy Making in Islamic Banking, *Iranian Economic Review*, In Press.
- Pesaran, M. H. ; Shin, Y. , 1995, "An Autoregressive Distributed Lag Modeling Approach to Cointegration Analysis," *Cambridge Working Papers in Economics*, No. 9514.
- Pesaran, M. H., Y. Shin and R. J. Smith, 1999, "Bounds Testing Approaches to the Analysis of Long-Run Relationships", *DAE Working Paper*, Department of Applied Economics, University of Cambridge.
- Pesaran, M. H.; Shin, Y.; Smith, R. I., 2001, "Bounds Testing Approaches to the Analysis of Level Relationships", *Journal of Applied Econometrics*, V. 16, N. 3, p. 289-326.